

چکیده پایان نامه ها

اندیشه سیاسی آیه الله طالقانی

استاد راهنما: دکتر حاتم قادری

استاد مشاور: حجة الاسلام و المسلمین ابوالفضل شکوری

دانشجو: علی شیرخانی

مقطع: کارشناسی ارشد علوم سیاسی

آیه الله طالقانی با عنایت به استبداد در ایران و انحراف مشروطه و دغدغه‌های ایشان در این خصوص، معتقد به اصلاح نظام سیاسی در ایران، تحدید آن به قوانین مشروطه و رعایت مردم‌سالاری و دموکراسی توأم با حکومت دینی بود.

وی باتوجه به اندیشه توحیدی خود در تکوین و تشریح، معتقد است حاکمیت اصلی و اولی بر جهان هستی، از آن خداست و پس از او، حاکمیت در زمین، از آن انسان است. از آن‌جا که انسان‌ها در زمین به علت روحیه استخدام‌طلبی دچار اختلاف و پراکندگی شدند، خداوند پیامبران را بر آنان مبعوث کرد، و در نظر شیعه پس از خاتم پیامبران، ائمه علیهم‌السلام حاکمیت دارند. در عصر عدم حضور امام، نوبت به فقهای عادل و عدول مؤمنان می‌رسد و به علت تعدد فقها و عدول مؤمنان، انتخاب و گزینش حاکم به وسیله رأی مردم، معقول‌ترین و مطلوب‌ترین راه به نظر می‌رسد.

با این بیان، طالقانی به حکومت‌های مردم‌سالار نزدیک می‌شود و داشتن ابزارها و نهادهای مردم‌سالاری را در حکومت‌های دینی لازم می‌داند. حکومت مردم‌سالاری که ایشان ارائه می‌دهد، تکیه بر آرای عمومی مردم و باتوجه به معیارها و موازین متکامل و متحول اسلام

می‌باشد. وی جهت برقراری قسط و عدل در جامعه، نظام شورایی را در کلیه سطوح جامعه مناسب می‌داند و اعتقاد دارد که حضور مردم در شوراها و اداره جامعه نه تنها اهداف حکومت دینی را تضمین می‌کند، بلکه از انحراف و فساد حکومت نیز جلوگیری می‌کند.

حوزه عمومی در ایران پس از انقلاب اسلامی

استاد راهنما: دکتر عباس منوچهری

استاد مشاور: حجة الاسلام والمسلمین دکتر داود فیرحی

دانشجو: مهدی براتعلی‌پور

مقطع: کارشناسی ارشد علوم سیاسی

یکی از مهم‌ترین و متأخرترین نظریات در رابطه دولت و جامعه، نظریه حوزه عمومی است. این نظریه وضعیت موجود را در جوامع مدرن بحرانی دانسته و خروج از آن را تنها از طریق به رسمیت شناختن سه حوزه متمایز اقتصادی، فرهنگی و سیاسی ممکن می‌داند. حوزه اقتصادی، علایق خصوصی و جزئی افراد در تمامی فعالیت‌های آنها را در جهت کسب منافع شخصی شامل می‌شود. در مقابل، حوزه سیاسی به اداره علایق کلی و انضمامی افراد که به شکل قدرت عمومی نمایان می‌شود، ارتباط پیدا می‌کند. در حد فاصل میان این دو حوزه، حوزه عمومی قرار دارد. این حوزه به مجموعه‌ای از کنش‌ها و نهادهای فرهنگی اطلاق می‌شود که این امکان را به افراد می‌دهد تا فراتر از منافع خصوصی و جزئی و فارغ از دخالت قدرت دولتی در باره مسائل کلان و عمومی به اظهار نظر و بحث و گفت‌وگوی آزاد پرداخته و از این طریق به اجماع، توافق و علایق کلی و انضمامی دست یابند.

این رساله با بهره‌گیری از مبنای تئوریک بالا به بررسی رابطه موجود بین نگرش‌های سیاسی - دینی کنونی ایران در مورد حوزه عمومی و جدال فضیلت و آزادی می‌پردازد. بر این اساس، پرسش اصلی این است که محور اصلی تمایز بین نگرش‌های سیاسی - دینی کنونی ایران در مورد حوزه عمومی چیست؟ در فرضیه پیشنهادی، محور این تمایز تقابل غایت‌گرایی - انسان‌گرایی، اخلاق‌گرایی - حقوق‌گرایی و ساختار اجتماعی - سیاسی عمودی با ساختار اجتماعی - سیاسی افقی دانسته شده است. بدین ترتیب، این پژوهش نخست در مرحله توصیف، امکان و عدم امکان حوزه عمومی را در هر یک از نگرش‌ها مورد بررسی قرار

می‌دهد و سپس در مرحله تبیین، چرایی آن را در جدال فضیلت و آزادی جست‌وجو می‌کند. بر این اساس، این پژوهش حول سه نگرش فضیلت‌مدار، آزادی‌محور و گزینشی - ترکیبی سامان یافته است.

تحول نظری فقه سیاسی شیعه از مشروطیت تا انقلاب اسلامی

استاد راهنما: حجة الاسلام والمسلمین سیدمحمدتقی آل‌سیدغفور

استاد مشاور: دکتر علیرضا صدرا

دانشجو: عباس حیدری

مقطع: کارشناسی ارشد علوم سیاسی

شکل‌گیری اجتهاد دین‌شناختی جامع‌گفتمان ولایت را در فقه سیاسی شیعه در دوره مشروطیت و پس از آن مسلط ساخت و گفتمان حاسبه را در حاشیه قرار داد. این پژوهش به تبیین عوامل شکل‌گیری این اجتهاد می‌پردازد و همراه با ملاحظه بعضی از اصول معرفت‌شناسی و بایدها و نبایدهای مکتب هرمنوتیک، چارچوبی نظری را طراحی می‌کند و در پرتو آن، عوامل زیر را به عنوان عوامل ذهنی و عینی شکل‌گیری اجتهاد جدید در فقه سیاسی شیعه، در دوره مورد نظر، شناسایی می‌کند: ۱. بسط تحقیقات اصولی؛ ۲. گرایش فلسفی فقها؛ ۳. افزایش نفوذ اجتماعی فقها؛ ۴. همکاری متقابل استبداد و استعمار.

تطور مفهوم حاکمیت در اندیشه سیاسی اهل سنت

(مقایسه دوره میانه و معاصر)

استاد راهنما: دکتر علیرضا صدرا

استاد مشاور: حجة الاسلام والمسلمین نجف‌لک‌زایی

دانشجو: محمد حیدری‌زاد

مقطع: کارشناسی ارشد علوم سیاسی

اندیشه سیاسی اهل سنت بر اساس واقعیت‌های عینی و تحولات تاریخی شکل گرفته و نسبت به آنها متأخر بوده است و همیشه با توجه به شرایط و زمینه‌های متفاوت بیرونی و

واقعیت‌های تاریخی، در دوره‌های مختلف تاریخی، تحول و تطوّر یافته است. در یک منظر می‌توان گفت اندیشه سیاسی اهل سنت تاریخمند است و در این تاریخمندی علت وجودی می‌یابد؛ به این معنا که اگر دهه اول تاریخ اسلام حذف شود، کلیت اندیشه سیاسی اهل سنت حذف می‌گردد و این پیوستگی اندیشه با واقعیت‌های تاریخی در حیات سیاسی اهل سنت باعث شده مفاهیم سیاسی در پی تحولات و شرایط زمانه متحول گردد. آنچه این رساله دنبال آن است، نشان دادن تطوّر مفهوم حاکمیت در اندیشه سیاسی اهل سنت در دو دوره حساس میانه و معاصر است. مفهوم حاکمیت دوره میانه بر محور حاکم می‌گردد، یعنی حکومت با حاکم یک چیز است و با توجه به شرایط خاص دوره میانه بحث این است که حق اعمال قدرت و اراده از آن کسی است که بتواند در شرایط بحرانی موجود امنیت و وحدت و حفظ شریعت را به ارمغان آورد؛ از این رو تمام مسائل مربوط به حاکمیت از جمله شروط و صفات حاکم، شیوه‌های نیل به حاکمیت و الگوهای حکومتی متناسب با شرایط زمانی تغییر می‌یابد. با توجه به واقعیت قدرت سلاطین در کنار خلافت از تمام شروط حاکم صرف نظر شده و تنها به شوکت و قدرت بسنده می‌شود و همچنین شیوه استیلا در دست‌یابی به قدرت به عنوان شیوه مشروع وارد اندیشه سیاسی اهل سنت می‌گردد.

در دوره معاصر، تحولات داخلی و خارجی در جهان اسلام و مطرح‌گشتن اندیشه‌های جدید در جهان معاصر و عرضه شدن مفاهیم جدید در عرصه اندیشه از یک طرف و از طرف دیگر، وقوع بحران خلافت در جهان اسلام، اندیشه سیاسی اهل سنت را به شدت تکان می‌دهد، چرا که خلافت محور فقه سیاسی اهل سنت در تاریخ بوده است. با توجه به این شرایط، اندیشمندان اهل سنت در پاسخ‌گویی به مسائل پیش آمده، نظریات متفاوتی ارائه کرده‌اند. برخی با بیان تفکیک دین از سیاست، نظام خلافتی در اسلام را امری سیاسی و غیرشرعی دانسته و به سکولاریسم روی می‌آورند و امر حکومت و حاکمیت را به عهده مردم می‌گذارند و برخی با تأکید بر مبانی اسلامی از یک طرف و واقعیت‌های موجود در جهان و تأثیر افکار جدید از طرف دیگر، دولت دینی و حکومت اسلامی را ارائه می‌دهند و بدین صورت بین مبانی اسلامی و عناصر دموکراتیک در مقوله حاکمیت جمع می‌کنند.

خط مشی‌های عمومی حکومت در نهج البلاغه

استاد راهنما: دکتر سیدرحیم ابوالحسنی

استاد مشاور: حجة الاسلام والمسلمین سیدمحمدتقی آل‌سیدغفور

دانشجو: محمدمهدی ماندگار

مقطع: کارشناسی ارشد علوم سیاسی

از آن‌جا که نهج البلاغه نمایشگاه معارف حکومت امام علی علیه السلام و از غنی‌ترین و اصیل‌ترین متون و منابع سیاسی اسلامی شیعی محسوب می‌شود، نیازمند تبیین، تجزیه و تحلیل دقیق مباحث، اعم از خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار آن حضرت است. تلاش این تحقیق بر این بوده که اولاً، چارچوبی نظری از کارویژه‌های اساسی دولت و حکومت براساس دیدگاه‌های عالمان سیاسی، به خصوص صاحبان دیدگاه ساختاری - کارکردی تدوین کند که نتیجه آن قالب‌بندی وظایف و کارویژه‌ها در پنج محور عمده است؛ ثانیاً، مبانی خط مشی‌گذاری حکومت حضرت از جمله اهداف حکومت را اصول حاکم بر خط‌مشی‌های حکومتی، دسته‌بندی وظایف حکومت را تنظیم و بررسی کند؛ ثالثاً، در پنج فصل، مباحث فرهنگ‌سازی، مشروعیت‌سازی، توزیع قدرت، نظم و امنیت، توزیع کالا و خدمات (تأمین رفاه و آسایش)، در نهج البلاغه، را مورد بررسی قرار دهد. خاتمه تحقیق را نتیجه‌گیری تشکیل می‌دهد که شامل شش نتیجه مفهومی و موضوعی از بحث می‌باشد.

حکومت اسلامی در اندیشه سیاسی شهید ثانی

استاد راهنما: حجة الاسلام والمسلمین دکتر داود فیرحی

استاد مشاور: حجة الاسلام والمسلمین محمدجواد ارسطا

دانشجو: سید محمدرضا موسویان

مقطع: کارشناسی ارشد علوم سیاسی

زین‌الدین عاملی معروف به شهید ثانی از فقیهان بزرگ شیعه در عصر صفوی و عثمانی است و پژوهش حاضر با بررسی حکومت اسلامی در اندیشه سیاسی شهید ثانی درصدد اثبات این فرضیه برآمده که میان مبانی کلامی - فقهی شهید ثانی و نظریه حکومت وی رابطه مستقیمی است و حکومت اسلامی از منظر وی مبتنی بر آن مبانی شکل می‌گیرد.

در فصل اول این پژوهش، مبانی کلامی و مبانی فقهی حکومت مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است که در بخش مبانی کلامی به دیدگاه‌های بنیادی وی در زمینه‌های انسان‌شناسی، هدایت، عدالت و امامت اشاره شده است.

فصل دوم (نظریه حکومت)، به مباحث حکومت و انواع آن در عصر غیبت، اختیارات و وظایف حکومت و روابط متقابل مردم و حاکمان می‌پردازد. تأمین مصالح عمومی به‌عنوان محور اصلی این تحقیق، اساسی‌ترین هدف حکومت اسلامی بوده و حاکم و رهبر، برای تحقق بخشیدن به آن هدف، به این مقام منصوب شده است.

براساس خاستگاه الهی، حکومت‌ها، در بخش سوم، به مطلوب و نامطلوب (جور) تقسیم شده‌اند و در این راستا حکومت پیامبر و امام معصوم و حکومت فقیه جامع‌الشرایط در عصر غیبت (ولایت فقیه) مطلوب تلقی شده و سایر حکومت‌ها و قدرت‌های سیاسی موجود مبتنی بر خاستگاهی غیر و حیانی نامطلوب محسوب می‌شوند.

در بخش چهارم، حاکم و رهبر سیاسی اجتماعی در گستره مصالح عمومی جامعه به اتخاذ تصمیم پرداخته و در مناصب افتا (مقننه)، قضا (قضاییه) و برپایی احکام انتظامی اسلام (مجریه) انجام وظیفه می‌کند و ولی فقیه در عصر غیبت در واقع همان اختیارات حکومتی امام را دارا می‌باشد.

مشارکت و نظارت مردم در امور حکومت و روابط متقابل فرد و حاکم در بخش پنجم مورد توجه قرار گرفته و فرد در صور مختلف حسب، امر به معروف و نهی از منکر و شورا به ایجاد ارتباط متقابل با حاکمان می‌پردازد. شهید ثانی برای کیفیت زیست مردم در حکومت‌های نامطلوب (جور) به راهکارهایی توجه کرده که ضمن تقبیح حکومت جور، تا حد امکان به برپایی و احیای آموزه‌های الهی حتی در قالب مشارکت در امور حکومتی حاکم جائر اقدام شود.

در واقع با توجه به مبانی کلامی انسان‌شناسی، هدایت، عدالت و امامت، امام معصوم به‌عنوان رهبر سیاسی جامعه از جانب خداوند منصوب شده و فقیه جامع‌الشرایط در عصر غیبت دارای همان اختیارات و وظایفی است که امام در امر حکومت داراست و نقش مردم در این حکومت، علاوه بر حمایت و اطاعت از آن، در مشارکت و نظارت تجلی می‌کند.

بررسی اندیشه سیاسی آیه‌الله سید حسن مدرس

استاد راهنما: حجة الاسلام والمسلمین سید علی میرموسوی

استاد مشاور: حجة الاسلام والمسلمین نجف لک زایی

دانشجو: علی اکبر قادری

مقطع: کارشناسی علوم سیاسی

در «بررسی اندیشه سیاسی آیه‌الله سید حسن مدرس» به بیان نظام سیاسی مطلوب در فلسفه سیاسی به طور عام و نظام سیاسی در ایران به طور خاص پرداخته و در ادامه، انواع نظام‌های سیاسی در زمان آیه‌الله مدرس ذکر کرده‌ایم و نیز نظام سیاسی که مورد نظر ایشان بوده و دلایل مطلوبیت آن بیان شده است؛ نظامی که مدنظر مدرس بوده، سلطنتی مشروطه است در آن شاه تحت قانون قرار می‌گیرد. در ادامه دیدگاه‌های شهید مدرس درباره مسائل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و حکومتی را ارائه کرده‌ایم.

روابط دیپلماتیک از دیدگاه قرآن و سنت

استاد راهنما: سید صادق حقیقت

استاد مشاور: محمد ستوده

دانشجو: غلامعلی شیخی

مقطع: کارشناسی علوم سیاسی

یکی از پدیده‌های قرن اخیر، روابط دیپلماتیک است که در حیات سیاسی همه کشورها به صورت اصلی مسلم پذیرفته شده است. رعایت اصول روابط دیپلماتیک یک رشته محدودیت‌هایی را برای کشورها ایجاد می‌کند؛ به طور مثال روابط دیپلماتیک دو کشور منوط به پذیرش عهدنامه‌های وین است. از طرفی بعضی از اصول مسلم فقه شیعه، دولت اسلامی را ملزم می‌کند که چنانچه مسلمانی در بلاد کفر از ماکمک بخواهد، او را یاری کنیم و یا پذیرش اصل ولایت مطلقه فقیه تمامی مسلمانان را موظف می‌کند که از وی اطاعت کنند و حال آن که شاید فردی از افراد مسلمان در محدوده جغرافیایی حوزه دولت اسلامی نباشد و یا پذیرش اصل جایز بودن جهاد ابتدایی در عصر غیبت کبرا نیز چنین احکام فراملی را برای ما واجب می‌کند.

حال این سؤال مطرح می‌شود که دولت اسلامی چگونه می‌تواند در حین رابطه با دیگر کشورها و عمل به عهدنامه‌های بین‌المللی، ملتزم به اصل ولایت مطلقه فقیه باشد و یا جهاد ابتدایی را در عصر غیبت امام معصوم علیه‌السلام جایز بداند؟ چنین به نظر می‌رسد اصل دیگری به نام اصل «أوفوا بالعقود» راهگشای این مشکل باشد، اصلی که در اسلام بسیار به آن تأکید شده است.

قاعده نفی سبیل در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

استاد راهنما: محمد ستوده

استاد مشاور: حجة الاسلام والمسلمین نجف لک‌زایی

دانشجو: حسین ابوالفضلی

مقطع: کارشناسی علوم سیاسی

قاعده «نفی سبیل» یکی از قواعد مهم در سیاست خارجی دولت اسلامی است، اما در عین حال نحوه ارتباط آن با سیاست خارجی چندان مشخص نشده و معلوم نیست که قاعده مورد نظر چگونه در سیاست خارجی جای می‌گیرد و کدام چارچوب مفهومی می‌تواند آن را مورد مطالعه و بررسی قرار دهد. به همین مناسبت سؤال اصلی که در این پژوهش مطرح شده این است که چگونه می‌توان قاعده نفی سبیل را در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مطالعه کرد؟ در پاسخ به این سؤال، با توجه به دو مفهوم «استراتژی» و «توان ملی»، سعی شده است قاعده نفی سبیل در ابعاد نظری و عملی مورد مطالعه قرار گیرد. در این پژوهش از طریق سیاست «نه شرقی و نه غربی» جمهوری اسلامی ایران با قاعده نفی سبیل ارتباط برقرار شده است. با توجه به این‌که مفهوم قاعده نفی سبیل و هم سیاست نه شرقی و نه غربی، استقلال است، از این رو سیاست فوق وظیفه راهبردی قاعده نفی سبیل را در سیاست خارجی عهده‌دار است؛ همچنین توان کلی نقش قابل ملاحظه‌ای در ایجاد قدرت و استقلال برای پیشبرد سیاست خارجی دارد. با توجه به این‌که اکثر مفسران قاعده نفی سبیل را مشروط به توانایی و قدرت مسلمانان کرده‌اند، از این رو ارتباط آن با سیاست خارجی مشخص می‌شود و نشان می‌دهد که قاعده نفی سبیل که اشاره به برتری مسلمانان بر کفار و عدم سلطه آنان بر

مسلمانان دارد، در صورتی عملی می‌شود که امکانات بالقوه مسلمانان تبدیل به امکانات بالفعل شود؛ به همین دلیل به امکانات و محدودیت‌های محیطی قاعده اشاره شده است. در پایان آمده که قاعده مزبور در طی دو دهه گذشته مورد نظر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بوده و هست و در راستای عملی کردن آن تلاش‌هایی هم صورت گرفته است.

نقش روحانیت شیعه

در بسیج سیاسی انقلاب اسلامی

استاد راهنما: حجة الاسلام والمسلمین محمدتقی آل‌سیدغفور

استاد مشاور: حجة الاسلام والمسلمین محمدجواد ارسطا

دانشجو: محمد مهدی ساورچمنی

مقطع: کارشناسی علوم سیاسی

رساله حاضر نقش روحانیت شیعه را در بسیج سیاسی تبیین می‌کند. در هر جامعه‌ای ارزش‌ها، اعتقادات و احساسات مشترکی وجود دارد که باید مورد احترام قرار گیرد که اگر مورد احترام قرار نگیرد و زیر پا گذاشته شود، به خصوص در جوامع مسلمان، زمینه‌پیدایی انقلاب را فراهم سازد و بدیهی است که هیچ انقلابی بدون بسیج امکان پذیر نیست؛ از این رو با توجه به شکاف‌های ایجاد شده در جامعه، به ویژه در ارزش‌های مشترک و اعتقادات مذهبی و دینی، نیروهای بسیج‌گر فعال می‌شوند و دست به بسیج سیاسی می‌زنند. در ایران روحانیت شیعه دارای جایگاه و قداستی ویژه است؛ از این رو قدرت زیادی برای بسیج در جامعه داراست و به همین سبب در انقلاب اسلامی توانست با تمسک به اهرم‌هایی مانند لباس روحانیت، منابر، مساجد، تکایا و رابطه مقلد و مقلد و مهم‌تر از همه داشتن رهبری خردمند و هوشمندی همانند امام خمینی (ره) دست به بسیج سیاسی بزنند.

آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی ایران

استاد راهنما: عبدالوهاب فراتی

استاد مشاور: حجة الاسلام والمسلمین منصور میراحمدی

دانشجو: محمود شریعی

مقطع: کارشناسی علوم سیاسی

این پژوهش در سه فصل تنظیم شده که به اختصار توضیح داده می‌شود. در فصل اول آسیب‌هایی که در انقلابات و حکومت‌ها به وقوع پیوسته بررسی شده است. در این راستا این نتیجه به دست آمده که حکومت‌های غیر دینی و دینی در یک نقطه به هم می‌رسند و آن استبداد است. بریتون در بررسی چهار انقلاب دنیا به این نتیجه می‌رسد که انقلابیونی که علیه استبداد به مبارزه برخاسته بودند خود گرفتار استبداد دیگری شدند. استاد مطهری بزرگ‌ترین عامل شکست انقلاب را سلب آزادی تفکر از جامعه می‌داند. کواکبی هم با بررسی حکومت عثمانی به این نتیجه می‌رسد که قدرت سیاسی برای مشروعیت بخشیدن خویش لباس دین بر تن می‌کند.

در فصل دوم آسیب‌های معرفتی انقلاب مورد بررسی قرار گرفته است. یکی از آسیب‌هایی که از این ناحیه به انقلاب اسلامی وارد خواهد شد، تبدیل سیاست دینی به دین سیاسی است؛ بدین معنا که دین به صورت ابزاری در خدمت سیاست قرار گیرد. برای پرهیز از چنین آسیبی دو راه پیشنهاد شده است: یکی آن‌که جنبه معنوی دین تقویت شده و مورد اهمیت قرار گیرد؛ دوم آن‌که حکومت و حاکمان دینی را نباید مثل دین مقدس دانست. دیگر آسیب معرفتی، نگاه سیاست مدارانه به ولایت فقیه است؛ بدین معنا که عده‌ای در صدد تقویت جنبه سیاسی و حکومتی ولایت فقیه برآیند و بعد معنوی و ارشادی ولایت فقیه را که می‌تواند نزد افکار عمومی از استقبال خوبی برخوردار گردد به فراموشی سپارند.

در فصل سوم آسیب‌های اجتماعی انقلاب بررسی شده است؛ از جمله آسیب‌های اجتماعی، افت مشارکت سیاسی مردم است که مرتبط با عملکرد نظام در قبال مردم خویش است. بحران هویت نسل جوان از دیگر آسیب‌های اجتماعی است که مشکل را بیشتر متوجه نسل اول انقلاب می‌داند، چراکه فرهنگ خودی و فرهنگ غرب را برای نسل جوان به خوبی و صادقانه تبیین نکرده است و این امر زمینه جذب جوانان را به دیگر فرهنگ‌ها فراهم آورده است. سومین آسیب اجتماعی، توطئه‌زدگی است؛ بدین معنا که عده‌ای با بزرگ‌نمایی توطئه بیگانگان در صدد انحراف افکار عمومی از واقعیات و مشکلات جامعه هستند.

ولایت فقیه از منظر فقه و کلام

بر اساس نظریات آیه الله جوادی آملی

استاد راهنما: حجة الاسلام والمسلمین دکتر داود فیرحی

استاد مشاور: آیه الله محمد محمدی اشتهاردی

دانشجو: حمید رضا اسلامی

مقطع: کارشناسی علوم سیاسی

رساله حاضر در یک مقدمه و چهار فصل تنظیم شده است. در مقدمه آن به طرح تحقیق مسأله پرداخته شده و درباره فرضیه و سؤال اصلی و سؤالات فرعی و همچنین به سازماندهی پژوهش و... اشاره گردیده است.

در فصل اول، شرایط زمانی و زندگی نامه آیه الله جوادی آملی و در فصل دوم، روش شناسی و مبانی فلسفی اندیشه ایشان و در فصل سوم، عناصر اندیشه سیاسی وی و در فصل پایانی، فصل چهارم، دولت و حکومت در عصر غیبت از دیدگاه ایشان مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است.

هدف از تألیف این رساله، این است که ما اولاً، لزوم حکومت را از دیدگاه یک اندیشمند مشهور شیعه بررسی کنیم و ثانیاً، به این سؤال پاسخ دهیم که آیا در زمان غیبت معصوم علیه السلام حکومت وجود دارد یا نه؟ و اگر وجود دارد صاحبان اصلی آن کدامند؟ در پاسخ به پرسش فوق گفته ایم که در ابتدا وجود حکومت برای جوامع انسانی لازم است و به ویژه در شیعه که ما نظام سیاسی خاصی داریم که در زمان امامان، ایشان حاکمند و در عصر غیبت، مجتهد جامع شرایط این مسئولیت را به عهده دارد؛ البته این مسئولیت برای مجتهد یک واجب تخییری است که اگر یک مجتهد جامع شرایط اقدام کرد و تشکیل حکومت داد از دیگران ساقط می‌گردد و این شخص زمام امور جامعه را در عصر غیبت به دست می‌گیرد و بر دیگران حتی مجتهدان هم‌تراز او لازم است که در مورد حکومت از او تبعیت کنند.